

شاخص‌های حوزه انقلابی

روحانیت، جلودار حرکت انقلاب

امام خمینی رحمته الله علیه:

من با یقین شهادت می‌دهم که اگر افرادی غیر از روحانیت جلودار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند، امروز جز ننگ و ذلت و عار در برابر امریکا و جهان‌خواران و جز عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی چیزی برایمان نمانده بود.

در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبین‌شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی - اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش‌کسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگ‌فرش‌های حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟^۱

حوزه قم باید انقلابی بماند

مقام معظم رهبری دامه ظلّه:

... اگر بخواهیم نظام اسلامی، همین نظامی که الان تشکیلاتی دارد، قوای سه‌گانه‌ای دارد، نیروهای مسلّحی دارد، دستگاه‌ها و سازمان‌های گوناگونی دارد، انقلابی بماند، اسلامی بماند، حوزه قم باید انقلابی بماند؛ اگر حوزه قم انقلابی نماند، حوزه‌های علمیّه اگر انقلابی نمانند، نظام در خطر انحراف از انقلاب قرار خواهد گرفت... .

... حوزه علمیّه قم بایستی به‌عنوان یک حوزه انقلابی، به‌عنوان مهد انقلاب، به‌عنوان آن کوره آتشفشانی که همین‌طور دارد انرژی انقلابی را صادر می‌کند از خودش، حضور داشته باشد و ظهور داشته باشد...^۲.

۱. منشور روحانیت حضرت امام (ره)

۲. بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیّه قم، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.

بینش انقلابی - حرکت انقلابی

مقام معظم رهبری داماد:

عرض کردیم که طبیعت قم، طبیعت طلاب، حوزه‌ی علمیّه، طبیعت دین است، طبیعت تبلیغ است، طبیعت قناعت است، طبیعت حضور مرجعیّت است که مرجعیّت خیلی مهم است؛ اینها همه از خصوصیات حوزه است و همین موجب می‌شود که پایه‌ی انقلاب در اینجا محکم بشود. اگرچنانچه ما دیدیم تلاش‌هایی دارد انجام می‌گیرد برای اینکه از حوزه‌ی علمیّه‌ی قم انقلاب‌زدایی کنند، باید احساس خطر کنیم. عرض من با شما نمایندگان عزیز طلاب و فضلا این است: اگر دیدید انقلاب‌زدایی دارد انجام می‌گیرد باید احساس خطر کنید. خب، احساس خطر کردن کافی نیست، باید به فکر علاج بود؛ علاج هم تدبیر لازم دارد، فکر لازم دارد؛ این اهمیّت اجتماع شما را نشان می‌دهد. باید افراد صاحب فکر بنشینند فکر کنند؛ با کارهای سطحی، با فریاد کشیدن که احياناً در یک جلسه‌ای آدم داد بکشد و به یکی اعتراض کند، با این حرف‌ها مسئله درست نمی‌شود. راه، اینها نیست؛ راه، فکر کردن و اندیشیدن و حکمت‌آمیز برنامه‌ریزی کردن، مجموعه‌های برنامه‌ریزی شده را تهیّه کردن و دنبال کردن است؛ بنابراین بینش انقلابی در قم بایستی توسعه پیدا کند، حرکت انقلابی باید توسعه پیدا کند.^۱

۱. همان.

شاخص‌های حوزه انقلابی

دسته‌بندی شاخص‌های حوزه انقلابی

در یک دسته‌بندی کلی، شاخص‌های حوزه انقلابی را می‌توان به سه گروه زیر تقسیم نمود:

۱. شناختی
۲. اجتماعی - سیاسی
۳. اخلاقی

که در ادامه به شاخص‌های هر دسته با استناد به فرمایشات حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام و برخی بزرگان دیگر حوزه اشاره می‌شود.

الف. شاخص‌های شناختی

۱. بصیرت

امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ»^۱

هرگاه ما عالم دین و تقی و باهوش و زرنگ و دقیقی مثل میرزای شیرازی و شیخ انصاری داشتیم، از شر دشمن محفوظ می‌ماندیم و برنده بودیم؛ ولی آنجا که قدری غفلت و ناآگاهی در کار بوده است، ضرر می‌کردیم، که آن ضرر، به یک نفر و یک حوزه و یک مجموعه و یک شهر و یک سال و چند سال محدود نمی‌شد؛ بلکه در برخی موارد اثرش تا پنجاه سال تمام، جامعه‌ی اسلامی را تحت فشار قرار می‌داد.^۲

انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرائط زمانه را درک کند...^۳

بصیرت در این دوران و در همه‌ی دوران‌ها به معنای این است که شما خط درگیری با دشمن را تشخیص دهید...^۴ بصیرت یعنی گم نکردن راه، اشتباه نکردن راه، دچار بیراهه‌ها و کج‌راهه‌ها نشدن، تأثیر نپذیرفتن از وسوسه‌ی خناسان و اشتباه نکردن کار و هدف.^۵

بنابراین، بصیرت مهم است. نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران به وجود بیاورند. آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی‌اند؛ نمی‌فهمند؛ اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یکهو به نفع دشمن می‌پرانند؛ به نفع جبهه‌ای که همتش نابودی بنای جمهوری اسلامی است به نحوی. نخبه هم هستند، خواص هم هستند، آدم‌های بدی هم نیستند، نیت بدی هم ندارند؛ اما این است دیگر!^۶

۲. عالم به زمان

۱. نهج البلاغه، خ ۱۷۳.

۲. سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضالای حوزه علمیه قم، ۴ / ۱۱ / ۱۳۶۹.

۳. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۲۹ / ۷ / ۱۳۸۹.

۴. بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی، ۲۴ / ۷ / ۱۳۹۱.

۵. بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۹۰.

۶. بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۵ / ۵ / ۱۳۸۸.

اگر شما اعلم علما هم باشید، ولی زمانتان را شناسید، محال است بتوانید برای جامعه‌ی اسلامی امروز مفید واقع شوید. اگر ندانیم که استکبار چه کار می‌خواهد بکند و دشمنان ما چه کسانی هستند و از کجا نفوذ می‌کنند، و اگر متوجه نباشیم که در جامعه‌ی ما چه می‌گذرد و چه مشکلاتی وجود دارد و علایش چیست، و اگر اطلاع نداشته باشیم که در جبهه‌بندی‌های امروز جهان چه جایگاهی داریم، نمی‌توانیم نقش واقعی خود را ایفا کنیم. ... بصیرت و علم به زمان و استفاده از موقعیت‌ها برای هر عاملی - چه اعلم‌العلماء باشد و چه کسی که در یک محله احکام دین را به چند نفر تعلیم می‌دهد - ضروری است؛ منتها هرچه مقام بالاتر باشد، آگاهی‌های بیشتر و وسیع‌تری مورد لزوم است.^۱

البته امروز نظام اسلامی با چالش‌های بزرگی مواجه است. اگر این چالش‌ها شناخته نشود، اگر معارضه‌ها دانسته نشود - چه معارضه‌های ممکن، چه معارضه‌های واقع و موجود - نمی‌توان درست نقش ایفا کرد؛ نمی‌شود واقعیت را فهمید و با آن مواجه شد. پس مسئله‌ی بعدی این است که چالش‌های کنونی نظام چیست؟ شرط اول کسی که می‌خواهد در این راه [تمدن‌سازی اسلامی] حرکت کند، این است که بداند با چه کمین‌ها و موانعی روبه‌رو خواهد شد؛ خودش را آماده کند. «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَابِسُ»^۲، عالم به زمان فقط این نیست که انسان با تعدادی از مردم ارتباط دوستانه داشته باشد، یا خبرهایی از این‌جا و آن‌جا به گوش او برسد. عالم به زمان کسی است که بداند در کجای دنیا زندگی می‌کند؛ صف‌بندی‌های مقابل او چیست؛ انگیزه‌های مخالفت با او کدام است؛ طرح‌هایی که این انگیزه‌ها به وسیله‌ی آنها تحقق پیدا می‌کند، چیست؟ این عالم به زمان است. البته این مخالفت‌ها و این دشمنی‌ها هرگز دشمنی با شخص نیست؛ اما شخص باید بداند کجا قرار دارد و نظام او و راه او و اهداف او با چه چیزی مواجه است؟^۳

۳. شناخت فتنه

مهمترین برهه‌ای و زمان و مکانی که تبلیغ، آنجا معنا می‌دهد، جایی است که فتنه وجود داشته باشد.^۴ بیشترین زحمت در صدر اسلام و در زمان پیغمبر، زحمات مربوط به منافقین بود. بعد از پیغمبر، در زمان امیرالمؤمنین زحماتی بود که از درگیری و چالش حکومت اسلامی با افرادی که مدعی اسلام بودند، به وجود می‌آمد. بعد هم همین جور؛ در دوران ائمه (علیهم‌السلام) هم همین جور؛ دوران غبارآلودگی فضا. والا آن وقتی که جنگ بدر هست، کار، دشوار نیست؛ آن وقتی که در میدان‌های نبرد حاضر می‌شوند، با دشمنانی که مشخص است این دشمن چه می‌گوید، کار دشوار نیست. آن وقتی مسئله مشکل است که امیرالمؤمنین در مقابل کسانی واقع می‌شود که اینها مدعی اسلامند و معتقد به اسلام هم هستند؛ این جور نبود که معتقد به اسلام هم نباشند، از اسلام برگشته باشند؛ نه، معتقدند به اسلام، راه را غلط می‌روند، هواهای نفسانی کار دستشان می‌دهد. این، مشکل‌ترین وضع است که افراد را به شبهه می‌اندازد؛ به طوری که اصحاب عبداللّه بن مسعود می‌آیند خدمت حضرت، می‌گویند «أَنَا قَدْ شَكَكْنَا فِي هَذَا الْقِتَالِ»! چرا باید شک کنند؟^۵

۴. وظیفه‌شناسی

یک بخش قضیه، هشیاری است. ما باید بدانیم امروز وظیفه‌ی ما چیست؟ با چه دنیایی طرفیم؟ نگوئید من یک مسجد کوچک را اداره می‌کنم. امروز هر روحانی، ولو با یک نفر طرف باشد و یک مخاطب داشته باشد، باید مسائل اسلامی را با توجه به اوضاع عالم و با تلقی درست از مسائل اسلامی، به آن یک نفر بگوید؛ چون آن یک نفر هم جزو این جامعه‌ی

۱. سخنرانی در مراسم بیعت مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد، ۲۰/۰۴/۱۳۶۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۶.

۳. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۴/۷/۱۳۷۹.

۴. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۲۲/۹/۱۳۸۸.

۵. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۲۲/۹/۱۳۸۸.

انقلابی و مبارز است. چنین نیست که گمان کنیم فقط آن روحانی‌ای که با توده‌های میلیونی مردم روبه‌روست بایستی افکار روشن اسلامی و مسائل صحیح سیاسی و مفاهیم دنیای روز را بداند و به مردم بگوید، و آن کسی که با چهار نفر آدم روبه‌روست یا امام جمعه‌ی یک شهر کوچک یا روحانی یک مسجد است، لازم نیست این چیزها را بداند! خیر؛ چنین نیست. باید مثل عمار هوشیار بود و فهمید که وظیفه چیست؟ نمی‌شود گفت به من ربطی ندارد. امروز هر روحانی و هر عمامه به سر، به مقتضای تلبس به این لباس، موظف است از حکومت اسلام و حاکمیت قرآن دفاع کند؛ هرکس هرطور می‌تواند.^۱

۵. شناخت ولی و ارزش آن

ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است؛ این اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم و معنای ولایت فقیه است.^۲

شهید دستغیب رحمته:

بالاترین نعمت برای انسان‌های عادی که خود مظهر ولایت الهی نیستند، این است که خداوند، زندگی عادی دنیوی آن‌ها را با شکل دادن حکومت ولایتی در زمانشان تحت ولایت خود قرار دهد که خواب و خوراک، تلاش و عبادت و همه چیز آن‌ها تحت ولایت، سامان داده شود. این نعمت در مقطع‌های محدود و کمتری [از تاریخ] برای انسان‌ها شکل گرفته است. امروز با ولایت امام خمینی که با تشکیل حکومت، سایه‌اش بر همه زندگی ما گسترده شده، خداوند، این نعمت را به کل جامعه ما عطا فرموده است.^۳

آیت الله ایازی از مدافعان اصل ولایت فقیه بود و در سخنانش می‌فرمودند:

اگر ولایت فقیه را از این انقلاب بگیرند، این انقلاب از بین خواهد رفت و هیچ چیز برای آن باقی نخواهد ماند؛ و همیشه این جمله معروف خود را تکرار می‌کرد: «اصل همه اصل‌ها، در همه نسل‌ها ولایت فقیه است.» در همان سال‌های ۱۳۴۴ شمسی، در جمع طلاب فرموده بودند: «امروز تنها حلقوم آزاد در دنیا، حلقوم آقای خمینی است.» و در سال‌های اخیر و بعد از رحلت حضرت امام می‌فرمود: «شخصی که امروز در کشور قائمه است و نظام را حفظ می‌کند، مقام معظم رهبری (حضرت آیت الله خامنه‌ای) است.»^۴

۶. معتقد به مبادی اعتقادی انقلاب

خب، مخالفت با انقلاب هم دوجور است: یک‌وقت صریحاً کسانی با انقلاب مخالفت می‌کنند - که این هم در حوزه وجود دارد، نه اینکه وجود نداشته باشد، ما بی‌اطلاع نیستیم؛ حالا کسانی هستند صریحاً گوشه‌کنار [مخالفت می‌کنند]؛ البته کم هستند - یک‌وقت هست که نه، صریحاً با انقلاب مخالفت نمی‌شود، [بلکه] با مبانی و مبادی اعتقادی انقلاب مخالفت می‌شود؛ روی اینها باید حساس بود. اینکه ملاحظه می‌کنید بنده مرتب روی مسئله‌ی استکبار تکیه می‌کنم، روی مسئله‌ی آمریکا تکیه می‌کنم، [به خاطر] این نیست که از روی عادت، آدم دائم بخواهد یک حرفی را تکرار کند؛ نه، اینها احساس خطر است. اگر نظام اسلامی در قبال نظم منحلّ جهانی هویت خودش را از دست داد، شکست خواهد خورد؛ اهمیت نظام اسلامی - که می‌گوییم دنیا را تکان داد این انقلاب - به‌خاطر این است؛ یک چیز جدید آورد.

۷. نیازشناسی / آینده پژوهی

۱. سخنرانی در جمع علما و روحانیون استان لرستان، ۱۳۷۰/۵/۳۰.

۲. بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۳/۳/۱۴.

۳. خبرگزاری فارس، خبر شماره ۱۳۹۳۰۹۲۳۰۰۰۷۳، به نقل از آیت الله محمد محمدی ری شهری.

۴. فخرالعلماء، ص ۶۰؛ امیری سوادکوهی، ایازی از ملکوت، ص ۱۴۴.

حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مہیای عکس العمل باشند. چه بسا شیوہ‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آیندہ تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود بہ مسایل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علماء بزرگوار اسلام از ہم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.^۱

۸. توجہ جدی بہ علوم انسانی با رویکرد اسلامی

این علوم انسانی‌ای کہ امروز رائج است، محتوایی دارد کہ ماہیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جہان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، ہدف دیگری دارد. وقتی اینہا رائج شد، مدیران بر اساس آنہا تربیت می‌شوند؛ ہمین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیرہ و غیرہ قرار می‌گیرند. حوزه‌های علمیہ و علمای دین پشتوانہ‌هایی ہستند کہ موظفند نظریات اسلامی را در این زمینہ از متون الہی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنہا را در اختیار بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینہ‌سازی‌های گوناگون.^۲

۹. معتقد بہ آرا و اندیشہ‌های امام خمینی (رہ) و مقام معظم رہبری (عج)

ب. شاخص‌های اجتماعی – سیاسی

۱. مبلغ حاکمیت فضای انقلابی

یک مسئلہی دیگر در زمینہی نظام رفتاری و اخلاقی حوزه، مسئلہی گرایش‌ها و احساسات انقلابی در حوزه است. عزیزان من! فضای انقلابی در کشور دشمنان عنودی دارد، دشمنان کینہ‌ورزی دارد. با حاکمیت فضای انقلابی در کشور مخالفند؛ می‌خواهند این فضا را بشکنند.

شما دیدید در یک دورہ‌ای شہادت را زیر سؤال بردند، جہاد را زیر سؤال بردند، شہید را زیر سؤال بردند، نظرات امام را زیر سؤال بردند، پیغمبران را زیر سؤال بردند! مسئلہ این نیست کہ فلان زیدی با این مفہیم مخالف است؛ مسئلہ این است کہ این مخالفت از نظر دشمن باید در جامعہ مطرح شود؛ فضا سازی شود و فضای انقلابی بشکند.

در حوزهی علمیہ ہمہ باید بہ این مسئلہ توجہ کنند. در متن جامعہ این جور است، طبعاً در حوزه‌های علمیہ ہم این جور است. می‌دانند کہ شُمای روحانی فقط یک فرد نیستید؛ مستمع دارید، علاقہ‌مند دارید؛ بنابراین در محیط پیرامون خودتان اثر می‌گذارید. می‌خواهند فضای انقلابی را بشکنند، روحانی انقلابی را منزوی کنند. تحقیر بسیج، تحقیر شہید، تحقیر شہادت، زیر سؤال بردن جہاد طولانی این مردم اگر خدای نکرده در گوشہ و کنار حوزه بہ وجود بیاید، فاجعہ است. بزرگان حوزه بایستی مواظب و مراقب باشند و مانع بشوند.^۳

۲. دفاع و پشتیبانی از نظام اسلامی

نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیہ با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است ... حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح. ... نظام بہ لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیہ و مستظہر بہ تلاش علمی آنہاست. نظام متکی بہ حوزه‌های علمیہ است؛ متکی بہ علماء، برجستگان و صاحب‌نظران دینی است.

۱. منشور روحانیت حضرت امام خمینی (رہ).

۲. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیہ قم، ۱۳۸۹ / ۰۷ / ۲۹

۳. همان.

یک مفهوم دیگر هم این است که حوزه و روحانیت نسبت به نظام دینی بی تفاوت نیست. هیچ روحانی‌ای، هیچ عالم دینی، هیچ خادم اسلامی نمی‌تواند نسبت به نظامی که بر اساس اسلام پدید آمده است، با انگیزه‌ی اسلام حرکت کرده است و کار می‌کند، بی تفاوت باشد؛ نمی‌تواند خود را بیگانه به حساب بیاورد...^۱

امروز سرنوشت روحانیت و سرنوشت اسلام در این سرزمین، وابسته و گره خورده‌ی به سرنوشت نظام اسلامی است. نظام اسلامی اندک لطمه‌ای ببیند، یقیناً خسارت آن برای روحانیت و اهل دین و علمای دین از همه‌ی آحاد مردم بیشتر خواهد بود. البته نظام زنده است، نظام سرپاست، نظام قوی است و با اطمینان کامل عرض می‌کنم نظام بر همه‌ی چالش‌هایی که در مقابلش قرار دارد، فائق و پیروز خواهد شد.^۲

از آن طرف، حوزه‌های علمیه هم نمی‌توانند بی تفاوت بمانند. حوزه‌ی علمیه، بخصوص حوزه‌ی علمیه‌ی قم مادر این نظام است؛ به وجود آورنده و مولد این انقلاب و این حرکت عظیم است. یک مادر چگونه می‌تواند از زاده‌ی خود، از فرزند خود غافل بماند، نسبت به او بی تفاوت باشد، در هنگام لازم از او دفاع نکند؟ ممکن نیست. بنابراین نسبت بین حوزه‌های علمیه و نظام جمهوری اسلامی، نسبت حمایت متقابل است. نظام از حوزه‌ها حمایت می‌کند، حوزه‌ها از نظام حمایت می‌کنند؛ همکاری می‌کنند، به یکدیگر کمک می‌کنند.^۳

اول این است که حوزه‌ی علمیه باید نظام اسلامی - همین نظام جمهوری اسلامی - را از خود بداند و برای تکمیل و رفع نقص آن، همه‌ی کوشش خود را مبذول کند. این نظام از آن حرکت و نهضت عظیمی پدید آمده است که در همین مدرسه‌ی فیضیه و در همین مسجد اعظم پایه‌گذاری شد. نظام دینی است؛ نظامی است که بر اساس معارف و احکام دینی و ارزش‌های دینی شکل گرفته است. حوزه در مقابل چنین نظامی نمی‌تواند بی تفاوت باشد. هیچ مصلحت و هیچ انگیزه‌ی شخصی یا صنفی یا سیاسی نمی‌تواند و حق ندارد از حمایت حوزه نسبت به نظام مانع شود.

... حوزه‌ی علمیه به هیچ بهانه‌ای، با هیچ مصلحت و انگیزه‌ای، درست نیست که به دشمنان نظام کمک کند؛ که البته امروز حوزه‌های علمیه مثل کوه پشت سر نظام ایستاده‌اند. امروز مراجع معظم تقلید، فضلالی بزرگ، شخصیت‌های عالی، طلاب و فضلالی جوان، در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های سیاسی، هر جایی که نظام احتیاج به پشتیبانی داشته است، با کمال قوت و شهامت پشتیبانی کرده‌اند.^۴

۲. شناسایی و حل شبهات ذهنی جامعه نسبت به مبانی اصلی نظام اسلامی

امروز شبهه‌هایی مطرح می‌شود که آماج آن شبهه‌ها، نظام است. شبهات دینی، شبهات سیاسی، شبهات اعتقادی و معرفتی در متن جامعه تزریق می‌شود - به خصوص در میان جوانان - هدفش فقط این است که یکی را از یک فکری منتقل کند به یک فکر دیگری؛ هدفش این است که پشتوانه‌های انسانی نظام را از بین ببرد؛ مبانی اصلی نظام را در ذهن‌ها مخدوش کند؛ دشمنی با نظام است. لذا برطرف کردن این شبهه‌ها، مواجهه‌ی با این شبهه‌ها، پاک کردن این غبارها از ذهنیت جامعه - که به وسیله‌ی علمای دین انجام می‌گیرد - این هم یک پشتیبانی دیگر، یک پشتوانه‌ی دیگر برای نظام اسلامی است. پس نظام اسلامی از جهات مختلف متکی به علمای دین و نظریه‌پردازان و محققان و دانشمندان حوزه‌های علمیه است.^۵

۱. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۳۰.

۲. همان.

۳. همان.

۴. سخنرانی در اجتماع بزرگ اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم، مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹ / ۷ / ۱۴.

۵. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

۴. تلاش برای تحقق تمدن اسلامی

آرمان‌ها چه هستند؟ جزو چیزهایی که بنده اینجا یادداشت کرده‌ام به عنوان آرمان‌ها، یکی مسئله‌ی ایجاد جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکر اسلام سیاسی؛ یک عده‌ای از قرن‌ها پیش، سعی کردند اسلام را از زندگی، از سیاست، از مدیریت جامعه هرچه می‌توانند دور کنند و منحصرش کنند به مسائل شخصی؛ مسائل شخصی را هم یواش یواش محدود کنند به مسائل قبرستان و قبر و مجلس عقد و از این حرف‌ها. نه، اسلام آمده است که «أَلَا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ فقط هم اسلام نیست؛ همه‌ی پیغمبران همین‌جورند. ادیان الهی آمده‌اند برای اینکه در جامعه پیاده بشوند، در جامعه تحقق واقعی پیدا کنند؛ این باید اتفاق بیفتد. یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها این است.^۱

۵. فعال در مبارزه با استکبار و استعمار

اگر ما به دین و تعمیق دین و ترویج دین و گسترش دینداری اهمیت می‌دهیم، باید دشمن این رویکرد را بشناسیم. کیست آن جایگاه و آن قدرتی که امروز از گسترش دین و تعمیق دینداری بیمناک است و با آن دشمن است؟ این نقطه عبارت است از استکبار که در رأسش آمریکاست و فعال‌ترینش صهیونیست‌ها هستند؛ هم شبکه‌ی صهیونیستی، هم دولت جعلی صهیونیستی؛ اینها دشمن دینداری‌اند. این مسئله‌ی قرآن‌سوزی را دست‌کم نگیرید، این مسئله‌ی کاریکاتورهای علیه نبی مکرم اسلام را دست‌کم نگیرید. البته شروعش از سلمان رشدی شد؛ اما قبل از او و بعد از او دستگاه عظیم فیلم‌سازی هالیوود و شرکت‌های هالیوودی برای اسلام‌ستیزی مأموریت پیدا کردند... دشمن رویکرد دینداری و دین‌پذیری و اعتقاد به دین و گسترش این معنا عبارت است از استکبار. حوزه در مقابل استکبار نمی‌تواند ساکت بماند؛ این را من عرض بکنم. حوزه در مقابل استکبار همیشه باید موضع داشته باشد.^۲

شهید بهشتی رحمته الله:

من هیچ اعتنایی به آمریکا ندارم، هیچ اعتنایی به اروپا ندارم، هیچ اعتنایی به اردوگاه شرق ندارم، اگر شما ملت، حقیقت را همان طور که هست بشنوید و بپذیرید و به آن مؤمن باشید و پیوندتان با انقلاب، رهبری انقلاب و مدیریت استوار بماند، بگذارید آمریکا توی این خیال‌ها و خواب‌های خودش فرو رود.^۳

۶. مواضع قاطعانه انقلابی در مقابل دشمنان داخلی

انقلابی‌گری به این نیست که ما آن جایی که نباید پرخاش کنیم، بی‌خودی پرخاش کنیم. انقلابی‌گری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرت‌ها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، در حقیقت به ممشای انقلابی و اسلامی توجه کرده‌ایم.^۴

۷. حفظ اتحاد روحانیت و وحدت امت اسلامی

اولین وظیفه شرعی و الهی آن است که اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیت انقلابی حفظ شود ... امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف سلیقه‌ها و برداشت‌ها و حتی ضعف مدیریت‌ها دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علمای متعهد گردد.^۵

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰.

۲. بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه‌ی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۲/۸.

۳. ابراهیم‌زاده، بهشتی در زمین، ص ۱۴۸.

۴. بیانات در دیدار وزیر و کارکنان وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸/۰۵/۳۱.

۵. منشور روحانیت حضرت امام مجتبی.

یکی از چیزهایی که قطعاً منافی با پیشرفت است، اختلاف و تفرقه است؛ تفرقه‌ی میان آحاد ملت، تفرقه‌ی میان مسئولین، تفرقه‌ی میان بخش‌های گوناگون نظام، تفرقه‌ی میان نظام و مردم. این انسجام و یکپارچگی‌ای که انقلاب به ما داد، باید مثل یک ناموس مقدسی حفظ شود، از آن پاسداری شود. یکی از مهمترین کارهایی که در جنگ نرم دشمن وجود دارد - همیشه وجود داشته، امروز هم وجود دارد - این است که در این اتحاد یک تزلزلی ایجاد کنند، شکاف ایجاد کنند. برای این کار تلاش می‌کنند: بین شیعه و سنی اختلافات مذهبی ایجاد کنند، بین فارس و عرب و ترک و کُرد و دیگران اختلافات قومی ایجاد کنند، اختلافات منطقه‌ای ایجاد کنند، اختلافات سازمانی ایجاد کنند، اختلافات حزبی ایجاد کنند. با همه‌ی اینها باید با توجه کامل مقابله کرد؛ یعنی همان چیزی که ما به آن می‌گوییم بصیرت. بدانیم کجاییم. این سنگری را که امروز شما در آن حضور دارید، بشناسیم. فرق است بین آن سربازی که در یک سنگر حساسی قرار گرفته و می‌داند که سنگر او چقدر حساس است، اهمیت کار خود و جایگاه خود را می‌داند، و بین آن کسی که در همان سنگر است، اما نمی‌داند چقدر مهم است؛ خوابش می‌برد، غفلت می‌کند، سنگر را رها می‌کند، در داخل سنگر با همسنگری‌اش دعوا می‌کند. بدانیم جایگاه ملت ایران چقدر حساس است.^۱

۸. حضور فعال در صحنه

اولاً حاشیه‌نشین شدن حوزه‌ی علمیه‌ی قم و هر حوزه‌ی علمیه‌ی دیگری به حذف شدن میانجامد. وارد جریانات اجتماع و سیاست و مسائل چالشی نبودن، بتدریج به حاشیه رفتن و فراموش شدن و منزوی شدن میانجامد. لذا روحانیت شیعه با کلیت خود، با قطع نظر از استثنای فردی و مقطعی، همیشه در متن حوادث حضور داشته است. برای همین است که روحانیت شیعه از یک نفوذ و عمقی در جامعه برخوردار است که هیچ مجموعه‌ی روحانی دیگری در عالم - چه اسلامی و چه غیر اسلامی - از این عمق و از این نفوذ برخوردار نیست.

ثانیاً اگر روحانیت می‌خواست در حاشیه و در پیاده‌رو حرکت کند و منزوی شود، دین آسیب می‌دید. روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد. اگر روحانیت از مسائل اساسی - که نمونه‌ی برجسته‌ی آن، انقلاب عظیم اسلامی است - کناره می‌گرفت و در مقابل آن بی‌تفاوت می‌ماند، بدون تردید دین آسیب می‌دید؛ و روحانیت هدفش حفظ دین است.^۲

در اینجا یک مغالطه‌ای هست که باید به آن اشاره کنم. ممکن است بعضی بگویند اگر حوزه‌های علمیه وارد مسائل جهانی، مسائل سیاسی، مسائل چالشی نمی‌شدند، اینقدر دشمن نمی‌داشتند و محترم‌تر از امروز بودند. این مغالطه است. هیچ جمعی، هیچ نهادی، هیچ مجموعه‌ی باارزشی به خاطر انزوا و کناره‌گیری و گوشه‌نشینی و خنثی حرکت کردن، هرگز در افکار عمومی احترام‌برانگیز نبوده است، بعد از این هم نخواهد بود. احترام به مجامع و نهادهای بی‌تفاوت و تنزه‌طلب که دامن از مسائل چالشی برمی‌چینند، یک احترام صوری است؛ یک احترام در معنا و در عمق خود بی‌احترامی است؛ مثل احترام به اشیاء است، که احترام حقیقی محسوب نمی‌شود؛ مثل احترام به تصاویر و تمائیل و صورتهاست؛ احترام محسوب نمی‌شود. گاهی این احترام، اهانت‌آمیز هم هست؛ همراه با تحقیر باطنی آن کسی است که تظاهر به احترام می‌کند. آن موجودی که زنده است، فعال است، منشأ اثر است، احترام برمی‌انگیزد؛ هم در دل دوستان خود و هم حتی در دل دشمنان خود. دشمنی می‌کنند، اما او را تعظیم می‌کنند و برای او احترام قائلند.^۳

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۹/۱۱/۱.

۲. بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

۳. همان، ۱۳۸۹/۷/۳۰.

اگر روحانیت شیعه در مقابل حوادث خصمانه‌ای که برای او پیش می‌آید، احساس مسئولیت نکند، وارد میدان نشود، ظرفیت خود را بروز ندهد، کار بزرگی را که بر عهده‌ی اوست، انجام ندهد، این موجب نمی‌شود که دشمن، دشمنی خود را متوقف کند؛ بعکس، هر وقت آنها در ما احساس ضعف کردند، جلو آمدند؛ هر وقت احساس انفعال کردند، به فعالیت خودشان افزودند و پیش آمدند. غربی‌ها ظرفیت عظیم فکر شیعه برای مواجهه‌ی با ظلم جهانی و استکبار جهانی را از مدتها پیش فهمیده‌اند؛ از قضایای عراق، از قضایای تنباکو؛ لذا آنها ساکت‌بشو نیستند؛ آنها به تجاوز خود، به پیشروی خود ادامه می‌دهند. سکوت و بی‌طرفی علما و روحانیون و حوزه‌های علمیه به هیچ وجه نمی‌تواند دشمنی دشمن را متوقف کند. بنابراین حرکت حوزه‌های علمیه، بی‌طرف نماندن حوزه‌های علمیه در قبال حوادث جهانی، در قبال مسائل چالشی ملی و بین‌المللی یک ضرورتی است که نمی‌شود از آن غافل شد.^۱

۹. تربیت مدیران عالی و میانی نظام

البته، یک چیز دیگر هم در اینجا وجود دارد و آن نقش حوزه - غیر از جنبه‌های فرهنگی - در اداره‌ی جامعه است. ما نباید از نقش سیاسی حوزه و شخصیت‌های حوزوی در اداره‌ی جامعه غافل شویم. این، چیز مهمی است. شما باید رهبران آینده‌ی انقلاب و کشور را در حوزه بسازید و پرورانید و فراهم کنید؛ شخصیت‌هایی که بتوانند رئیس‌جمهور و وزیر و نماینده و نظریه‌پرداز سیاسی باشند. کما اینکه شما ملاحظه می‌کنید، بعد از پیروزی انقلاب، منهای شخص شخصیت امام بزرگوار - که «لا یعادلہ احد» - سهم و نقش معّمان و متخرّجان حوزه در اداره‌ی انقلاب و مسئولیت‌پذیری در مسائل آن - چه در قانون‌گذاری، چه در قضایش، چه در قوه‌ی مجریه‌اش و چه در زمینه‌های سیاسی‌اش - اگر نگوییم بیشتر است، اقلّاً نقشی برابر با غیر حوزوی‌ها داشته‌اند. این‌ها، متخرّجان قبل از انقلابند. به قول آن باغبان قدیمی: کاشتند و خوردیم، کاریم و خوردند. حوزه، در این مورد چه کرده و چه خواهد کرد؟ البته، در این زمینه حوزه تلاش‌های خوبی داشته است و نمی‌شود آن را منکر شد؛ اما مطمئنأً کمتر از آن چیزی است که لازم می‌باشد.^۲

۱۰. حمایت حوزه از طلاب انقلابی و مجاهد

حوزه باید به مجاهدت‌ها و گذشت‌هایی که طلبه‌ها کردند، به حضورشان در جبهه‌ها، به حضورشان در ارگان‌ها اهمیت بدهد، آن‌ها را ارج بگذارد، برای آن ارزشی قائل بشود و سعی کند که اگر از لحاظ علمی کمبودی دارند، برایشان به یک نحو اختصاصی جبران کند. فرض کنید طلبه‌یی است که به خاطر نیاز انقلاب، نیاز مردم، نیاز دینی، به نقطه‌ی بد آب و هوای دوردستی که به طور طبیعی کسی حاضر نیست به آنجا برود رفته و شش ماه، یک سال، پنج سال در آنجا مانده است. حوزه باید برای این شخص ارزش قائل بشود. این خیلی بالارزش است، تا آن کسی که این زحمت را بر خودش هموار نکرده، این سرما و گرما و ناامنی و گرسنگی و مشکلات و تحقیر و خطرکردن و از زن و بچه دور ماندن و امثال این‌ها را تحمل نکرده و در حوزه مانده است. ارزش کدامشان بیشتر است؟ یقینأً آن کسانی که مجاهدت و تلاش کردند، بایستی برای آن‌ها ارزش بیشتری قائل شد. این ارزش‌ها باید به حساب بیاید؛ نمی‌گوییم هم بیشتر؛ هرکدام یک ارزش است. ممکن است کسی هم در حوزه مانده و فرضأً تحقیق خیلی برجسته‌ای در حوزه کرده، که البته آن هم یک ارزش دیگر است. ارزش‌های اسلامی باید به حساب بیاید. یکی از این ارزش‌ها، تبلیغ در جاهای خطرناک و دوردست و در جاهای محتاج تبلیغ است. یکی از این ارزش‌ها، حضور در جبهه‌هاست. یکی از این ارزش‌ها، حضور در ارگان‌ها و از این قبیل چیزهایی که دارای اهمیت و ارزش است.^۳

۱. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۳۰.

۲. سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضالای حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۶۸/۰۹/۰۷.

۳. بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱.

البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی‌گری نکنند؛ بعضی هم این‌جوری دوست می‌دارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه‌ی انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی‌گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام می‌گیرد؛ واضح است.^۱

یک نکته هم خطاب به جوانان پرشور و انقلابی حوزه است، که متن حوزه غالباً همین جوان‌های پرشور و طلاب انقلابی هستند. عزیزان من! آینده مال شماهاست، امید آینده‌ی کشور شماها هست؛ باید خیلی مراقبت کنید. درست است که جوان طلبه‌ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ نبادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتواند تهمت افراطی‌گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوان‌های انقلابی بدانند؛ همان‌طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند؛ مراقب باشید زیاده‌روی نشود.^۲

۱۱. میدان ندادن در حوزه به کسانی که با انقلاب سر ستیز دارند

این معنی ندارد که توی حوزه‌ی علمیه‌ی قم یا مثلاً فرض کنید توی مدرسه‌ای - اگر این حرف راست باشد - صریحاً علیه امام، علیه انقلاب، علیه مبانی انقلاب موضع‌گیری شود؛ طلبه‌ی آن مدرسه، مدیر آن مدرسه، مدرّس آن مدرسه این‌جوری باشند، اگر کسی هم بخواهد در آن مدرسه از مبانی انقلاب دفاع کند، مورد تهاجم قرار بگیرد یا از مدرسه اخراج شود. من نمی‌گویم این راست است؛ این گزارشی است که به ما رسیده، حتماً به شما هم رسیده؛ خب، روی این مسئله حساسیت نشان دهید؛ بروید ببینید واقعاً این‌جوری هست یا نیست؛ اگر هست، جلوش بایستید. حوزه‌ی قم پایگاه و خاستگاه انقلاب است. اگر قرار باشد اینجا توی مدرسه‌ای بنا و اساس کار را بر این بگذارند که اسم امام نباید آورده شود، اسم انقلاب نباید آورده شود، مبانی انقلاب نباید مطرح شود، آدم انقلابی نباید حضور داشته باشد، این خیلی چیز بدی است؛ جلوی این را باید جامعه‌ی مدرسین بگیرد. من نمی‌گویم شما بروید دعوا کنید، دست به یقه شوید، اما موضعتان را ابراز کنید؛ بگویید ما این را قبول نداریم، ما این را رد می‌کنیم. به نظر من این کار لازم است.

در جاهای دیگر هم همین‌جور است؛ در سطح کشور هم همین‌جور است؛ اگر چنانچه یک چیزی دیده شد که با مبانی انقلاب معارض و مخالف و مباین است، صریح اعلام موضع کنید.^۳

۱۲. ابراز انزجار از مخالفان و فاصله نگرفتن از ولایت

شهید دستغیب نمونه‌ای کامل از ولایت‌پذیری بود و علاقه عجیبی به حضرت امام رحمته‌الله داشت. جمله معروف «بی‌عشق خمینی نتوان عاشق مهدی شد» از سخنان او می‌باشد. در سخنان خود عارفانه می‌فرمود: «مَنْ أَطَاعَ الْخُمَيْنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ؛ هر کس از خمینی پیروی کند، از خدا پیروی کرده است.» همسرشان می‌گوید: «هرگاه حاج آقا با امام امت دیدار داشتند، در بازگشت بیش از حد خوشحال و شاداب بودند و همواره خود را موظف می‌دانستند که سخنان ایشان را از صدا و سیما بشنوند و یادداشت کنند و در سخنرانی‌های خود، محور سخن قرار دهند. درباره دیدار با امام رحمته‌الله می‌فرمودند: «من در محضر امام، یارای سخن گفتن ندارم.»

ایشان به یکی از نمایندگان شیراز فرموده بود: «پسر جان! باید باورت شود که حضرت امام، نایب امام زمان علیه‌السلام است، احترام به امام، احترام به امام زمان علیه‌السلام است. می‌خواهی عزت پیدا کنی، عزت در پیروی از امام است.»

۱. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹

۲. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹

۳. نرم افزار «حوزه و روحانیت»

همان گونه که نسبت به امام و رهبری تولى داشت، از هر عنصر مخالف امام نیز به شدت تبرى مى‌جست. همچنان که مى‌فرمود: «هنگامی که در مجلس خبرگان قانون اساسی دیدم بنی صدر در رابطه با ولایت فقیه که اساس نظام جمهوری اسلامی است، آن هتاکى‌ها را کرد، بر خود واجب دانستم به دفاع از ولایت فقیه برخیزم و مطالبی را از تربیون مجلس بیان دارم.»^۱

ج. شاخص‌های اخلاقی

۱. تخلق به اخلاق اسلامی

حوزه‌های علمیه همزمان با فراگرفتن مسائل علمی، به تعلیم و تعلم مسائل اخلاقی و علوم معنوی نیازمند است. راهنمای اخلاق و مربی قوای روحانی و مجالس پند و موعظه لازم دارد. برنامه‌های اخلاقی و اصلاحی، کلاس تربیت و تهذیب، آموختن معارف الهیه، که مقصد اصلی بعثت انبیا علیهم السلام می‌باشد، باید در حوزه‌ها رایج و رسمی باشد. متأسفانه در مراکز علمی به این گونه مسائل لازم و ضروری کمتر توجه می‌شود. علوم معنوی و روحانی رو به کاهش می‌رود، و بیم آن است که حوزه‌های علمیه در آتیه نتوانند علمای اخلاق، مربیان مذهب و آراسته و مردان الهی تربیت کنند و بحث و تحقیق در مسائل مقدماتی مجالی برای پرداختن به مسائل اصلی و اساسی، که مورد عنایت قرآن کریم و نبی اعظم (ص) و سایر انبیا و اولیا علیهم السلام است، باقی نگذارد. خوب است فقه‌های عظام و مدرسین عالی‌مقام، که مورد توجه جامعه علمیه می‌باشند، در خلال درس و بحث به تربیت و تهذیب افراد همت گمارند و به مسائل معنوی و اخلاقی بیشتر بپردازند. محصلین حوزه‌ها نیز لازم است در کسب ملکات فاضله و تهذیب نفس کوشش کرده، به وظایف مهم و مسئولیت‌های خطیری که بر دوش آنان است اهمیت دهند.^۲

در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید؛ جلسه وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی‌توان مذهب شد. اگر حوزه‌ها همین طور از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد، محکوم به فنا خواهد بود. چطور شد علم فقه و اصول به مدرّس نیاز دارد، درس و بحث می‌خواهد، برای هر علم و صنعتی در دنیا استاد و مدرس لازم است، کسی خودرو و خودسر در رشته‌ای متخصص نمی‌گردد، فقیه و عالم نمی‌شود، لیکن علوم معنوی و اخلاقی، که هدف بعثت انبیا و از لطیفترین و دقیقترین علوم است، به تعلیم و تعلم نیازی ندارد و خودرو و بدون معلم حاصل می‌گردد؟!^۳

۲. توانمند در تسلط بر نفس

باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مایوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است.^۴

... آقای بهشتی به معنای حقیقی کلمه حلیم بود. حلم را غالباً نمی‌توانند معنا کنند، اما معادل این واژه را می‌توان جنبه داشتن و ظرفیت نفسانی داشتن ذکر کرد. مرحوم بهشتی جنبه داشت و از ظرفیت روحی فوق‌العاده‌ای برخوردار بود؛ و خیلی دیر برمی‌آشت. اصولاً آقای بهشتی آدمی نبود که از میدان به در رود و در برابر اهانت‌ها و توهین‌ها حتی اندکی برآشفته

۱. خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۰/۹/۱۸.

۲. امام خمینی رَحْمَتُهُ، جهاد اکبر، ص ۱۲ و ۱۳.

۳. همان، ص ۲۴.

۴. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

شود. ممکن بود در یک جلسه‌ای حتی اهانت به او شود و بارها دیدیم که چنین هم شد. ایشان آدمی بود که این تحمل را داشت که اهانت را با بزرگواری گوش می‌داد و در آخر با استدلال و توجیه به اهانت پاسخ می‌داد. آدم‌هایی که این ظرفیت انسانی را ندارند، برای کارهای مدیریتی مناسب نیستند. ظرفیت نفسانی شهید بهشتی فقط در مقابل اهانت‌ها نبود، بلکه ایشان در مقابل ستایش و تمجید هم حلیم بودند و خود را گم نمی‌کردند. طوفانی که از تمجید به وجود آید کمتر از طوفان ناشی از اهانت نیست، حتی از آن نیز غرق‌کننده‌تر است. حلم و ظرفیت نفسانی آقای بهشتی بدین‌گونه بود. با این خصوصیات اخلاقی، طبیعی است که آدمی می‌تواند اهانت به خود و انتقادات طرف مخالف را تحمل کند.

هیچ وقت دیده نشد که در هیچ جایی حتی در کوران‌های بسیار بزرگ، بهشتی از حال طبیعی و عبادی خارج شود و عملی غیراسلامی از او مشاهده گردد. با اینکه دیدم چقدر دشمنان اسلام و مسلمین و همان‌هایی که در نهایت در مقابل جمهوری اسلامی ایستاده بودند، امثال بنی‌صدر و منافقین چه جار و جنجالی علیه بهشتی به راه انداختند، ولی در عین حال بهشتی با عنایت سعه‌صدر در مقابل آنها ایستاد و هرگز برای مبارزه با دشمن از حدود وظایف اسلامی و اخلاق اسلامی خارج نشد.^۱

۳. دارای روحیه شجاعت

شجاعت یعنی چه؟ یعنی از دشمن ترسیم؟ بله! این مرحله‌ای از شجاعت است؛ یک شجاعت بالاتر، این است که از دوست ترسیم! بعضی‌ها از دوست، بیشتر می‌ترسند تا از دشمن! ترس به معنای رودربایستی؛ ترس از اینکه مبدا این دوست، از دست برود. ترس اینکه مبدا این حرف موجب بشود که در مورد من، این‌جور فکر کنند. شجاع‌ترین شجاعان، آن کسی است که حقیقت، مصلحت و تکلیف را بر توقعات و رودربایستی‌ها مقدم بدارد. اگر در جامعه‌ی مجموعه‌ی روحانیت و علمای دین از این خصوصیات برخوردار باشند، دانش دین را بدانند، از پارسایی و پرهیزگاری به‌قدر لازم برخوردار باشند، شجاعت لازم را داشته باشند، برای خدا وارد میدان بشوند و عاقلانه و مدبرانه کار کنند، هرچه پیشرفت دنیایی آن جامعه بیشتر شود، معنویت او هم به همان میزان پیش خواهد رفت.^۲

من در کوهستان به محضر آیت‌الله کوهستانی رسیدم - و این زمانی بود که به خاطر مبارزات سیاسی علیه شاه در مازندران به سر می‌بردم - او زندگی زاهدانه‌ای داشت و در عین حال فکر و اندیشه انقلابی داشت و فکرش هماهنگ با نهضت و مبارزات حضرت امام رحمه‌الله علیه بود. در آن زمان خفقان که شرایط بسیار دشواری بر علیه مبارز و انقلابی ایجاد کرده بودند ایشان ما را تقویت کرده و به ما روحیه دادند.^۳

۴. داشتن غیرت دینی در عین پرهیز از حرکات بی‌رویه

بنده شما عزیزان را در زمینه‌ی مسائل سیاسی به دو چیز - که گاهی با هم اشتباه می‌شود- دعوت می‌کنم. یکی این است که، همچنان که بزرگان گفتند و می‌گویند و توصیه می‌کنند، غیرت دینی لازم است. نباید بگذارید غیرت دینی از مجموعه حوزه‌ی علمیه و آحاد آن سلب شود.

دوم اینکه، از لحاظ سیاسی عصبی نشوید! اینها نایبستی با یکدیگر اشتباه شود. برخی دوست می‌دارند حوزه‌ی علمیه را عصبی و آشفته و دچار کارهای بی‌رویه‌ی سیاسی مشاهده کنند. توصیه‌ی من این است که نگذارید! حضور سیاسی، سخن سیاسی و موضع سیاسی، بسیار خوب و لازم است و در مواردی مقتضای غیرت دینی هم هست؛ اما حرکات بی‌رویه،

۱. آیت‌الله ربانی املشی؛ ویژه‌نامه روزنامه جمهوری، تیر ۱۳۸۰، ص ۲۸؛ بهشتی در زمین، حسن ابراهیم‌زاده، ص ۱۳۷.

۲. دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه، حوزه و روحانیت در نگاه رهبری، ص ۳۷۳؛ دیدار روحانیون و امام جمعه نوشهر ۱۳۷۸/۲/۲۹.

۳. کوهستانی، بر قله پارسایی، به نقل از آیت‌الله نوری همدانی.

حرکات عصبی، حرکاتی که اگر پای صحبت به میان بیاید، نمی‌توانید از آن دفاع کنید؛ این نه! این دو را با هم تفاوت بگذارید. مرز میان این دو را همیشه در نظر داشته باشید!^۱

۵. دارای روحیه معنوی و ساده‌زیستی

هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند.^۲

۶. حامی مظلومان و مستضعفان

یک مسئله، مسئله‌ی طرفداری از مستضعفان و ملجأ محرومان و مظلومان بودن است. شما هر چه که تاریخ روحانیت را نگاه کنید، این را مشاهده می‌کنید. ضعفا، محرومان، مظلومان به در خانه‌ی اینها پناه می‌آوردند؛ اینها را پناه می‌دانستند. حتی بعضی از علما در زمان‌هایی، خودشان جزو افراد متنعم بودند؛ مثل مرحوم سید شفتی در اصفهان، صاحب ثروت فراوان که این ثروت تقریباً همه‌اش در راه خدا مصرف می‌شد. این مسجد معروف سید اصفهان که یکی از مساجد بسیار بزرگ است که چنین مسجدی را ما سراغ نداریم که غیر از وابستگان به دربارها و حکومت‌ها و امرا کسی آن را ساخته باشد، این مسجد را این سید بزرگوار، این عالم دینی، این فقیه بزرگ، ساخته است که جزو فقهای برجسته است. او با این ثروت، در عین حال ملجأ محرومان و مرجع مظلومان بود و اگر کسی از کسی سیلی بنالحق می‌خورد، به او مراجعه می‌کرد و می‌دانست که به درد او و به کار او رسیدگی خواهد شد. روحانیت در طول زمان اینگونه بودند و روحانیت در مقابله‌ی بین طبقات اجتماعی، طرف طبقه‌ی محروم، طبقه‌ی مستضعف و مظلوم قرار داشته است؛ الا موارد استثنائی که موارد استثنا محل کلام ما نیست؛ همه‌جور آدمی در همه‌ی زمان‌ها و در همه جا پیدا می‌شوند. روال کلی روحانیت، اینی است که عرض کردیم.^۳

۷. مردمی بودن

نقاط مثبت در جامعه‌ی روحانیت - که جامعه‌ی علمی شیعه است - روشن می‌باشد. علم و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و شجاعت و ایستادگی در برابر قدرتها و زورگوها و اتصال به توده‌ی مردم، نقاط مثبت روحانیت ماست. مردمی بودن و درد آنها را احساس کردن و برای آنها دل سوزاندن و کار کردن و به دشمنانشان نزدیک نشدن، خصوصیتی است که هیچ فرقه‌ای از فرق روحانی در عالم، آن را نداشته است و الآن هم ندارد. اگر این خصوصیت نبود، اطمینان مردم به روحانیت جلب نمی‌شد که به خیابان‌ها بیایند و آن‌طور جان خود را در راه آرمان‌های این انقلاب در معرض خطر قرار بدهند. این، خصوصیات مثبت روحانیت است؛ این‌ها را به شدت حفظ کنیم.^۴

۸. حفظ زینت طلبگی

امروز، اگر روحانیت از زین خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوءاستفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هرکدام از این‌ها لطمه‌اش غیر قابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره‌ی قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره‌ی قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه‌ی روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز

۱. سخنرانی در اجتماع بزرگ اساتید، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در مدرسه‌ی فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴

۲. منشور روحانیت، حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ

۳. بیانات در دیدار علما و روحانیون استان خراسان رضوی ۱۳۸۶/۲/۲۶

۴. سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از علما، مدرّسان، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مدارس علمیه‌ی تهران ۱۳۶۸/۱۲/۲

چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتی جمع روحانیت - نمی‌شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود. در این زمینه، امام بزرگوارمان خیلی توصیه‌های آموزنده کردند. باید حفظ زیّ روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تأکید و توجه قرار بگیرد. البته این خطاب، به جمع حاضر نیست؛ متعلق به همه‌ی ما روحانیون در سراسر کشور و هرجا که هستیم، می‌باشد.^۱

۹. تقویت روحیه بسیجی و ترویج فرهنگ جهاد و شهادت

یک مسئله‌ی دیگر در زمینه‌ی نظام رفتاری و اخلاقی حوزه، مسئله‌ی گرایش‌ها و احساسات انقلابی در حوزه است. در حوزه‌ی علمیه همه باید به این مسئله توجه کنند. در متن جامعه این جور است، طبعاً در حوزه‌های علمیه هم این جور است. می‌دانند که شمای روحانی فقط یک فرد نیستید؛ مستمع دارید، علاقه‌مند دارید؛ بنابراین در محیط پیرامون خودتان اثر می‌گذارید. می‌خواهند فضای انقلابی را بشکنند، روحانی انقلابی را منزوی کنند. تحقیر بسیج، تحقیر شهید، تحقیر شهادت، زیر سؤال بردن جهاد طولانی این مردم اگر خدای نکرده در گوشه و کنار حوزه به وجود بیاید، فاجعه است. بزرگان حوزه بایستی مواظب و مراقب باشند و مانع بشوند.^۲

دستاوردهای حوزه انقلابی

۱. مصونیت نظام از خطر انحراف

بنده عرض می‌کنم اگر بخواهیم نظام اسلامی - همین نظامی که الان تشکیلاتی دارد، قوای سه‌گانه‌ای دارد، نیروهای مسلّحی دارد، دستگاه‌ها و سازمان‌های گوناگونی دارد - انقلابی بماند، اسلامی بماند، حوزه‌ی قم باید انقلابی بماند؛ اگر حوزه‌ی قم انقلابی نماند، حوزه‌های علمیه اگر انقلابی نماندند، نظام در خطر انحراف از انقلاب قرار خواهد گرفت. ... بنابراین مسئله‌ی انقلابی‌گری در حوزه‌ی قم در معرض خطر است؛ این را باید توجّه کنید؛ باید جزو مسائل اصلی شما باشد.^۳

- ۳. تربیت طلابی مسئولیت‌پذیر، متعهد و انقلابی
- ۴. پاسخ‌گویی و رفع نیازهای مختلف نظام اسلامی
- ۵. صدور انقلاب اسلامی ایران به سرتاسر جهان

تدوین: دفتر مطالعات تهذیبی و تربیتی معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه

مرداد ۱۳۹۵

۱. سخنرانی در دیدار با علمای تهران، ۱۳۶۸/۵/۱۱.

۲. بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹.

۳. بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵.